

مهارت

و

امنیت

شغلی



هر جوانی در زندگی با سه چالش بزرگ تحصیل، اشتغال و ازدواج روبه‌روست. شاید بتوان گفت اشتغال بخش مهمی از زندگی وی را تشکیل می‌دهد که تأمین نیازهای جسمی و روانی وی درگیر آن است. از سال ۱۳۹۰، «دانشگاه فنی و حرفه‌ای» به‌عنوان یک زیرمجموعه از وزارت علوم، وظیفه تربیت تکنسین ماهر را به‌عهده گرفته است و این روزها که تفاهم‌نامه‌هایی بین فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌های متفاوت منعقد می‌شود، نشان از تفاهم دانشگاه با صنعت دارد.

تربیت تکنسین یا کارشناس فنی و حرفه‌ای توانمند و کارآمد، در بخش آموزش کشور همچون موتور محرک توسعه پایدار و نامحدود کشور است و نقش مؤثری در شکوفاسازی اقتصادهای بیمار ایفا می‌کند. وظیفه اساسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا مهارتی در هر کشور، اولاً آموزش و تربیت نیروی کار ماهر برای ورود به بازار کار، و ثانیاً آموزش مدام شاغلان برای حفظ و توسعه اشتغال موجود، ماندگاری در بازار کار و انطباق توانمندی‌های افراد با نیازهای جدید بازار کار و تغییرات فناوری است.

انسان بی‌کار، به دلیل تأمین نشدن نیازهایش، غالباً به سوی انحرافاتمانند اعتیاد، بزهکاری، سرقت، خودکشی، تهاجم به دیگران و قتل روی می‌آورد. لذا بی‌کاری و کمبود امنیت شغلی با سلامت روان ارتباط دارد. در این زمانه، یگانه امنیت شغلی آن است که **خاطرم‌ان جمع باشد، هنرها و ویژگی‌هایی ارزشمند داریم که می‌توانیم عرضه کنیم.** به این منظور باید یکسره بکوشیم نیازهای بازار را شناسایی کنیم و ویژگی‌هایمان را به سمت آن سوق دهیم و تأمین کنیم. پس چالش‌های ما در کار باید به مهارت‌های بازارپسند بینجامد و اندیشه و رفتار ما باید چون اندیشه و رفتار کارآفرینان باشد.

اکنون در عصر حاضر، موضوع با اهمیت آن است که **مفهوم کهنگی و از رواج افتادن محصولات** موجب ترس صاحبان صنایع و کارگران شده است که به تبع آن، بخش آموزش نیز درگیر این موضوع شده است. مهندسان از بیم از رواج افتادن محصولاتشان به نوآوری رو

می‌کنند و **نوآوری یعنی داشتن مهارت بالا و خلاقیت و یک ذهن کارآفرین.** همان‌طور که مصرف‌کننده خواهان محصولات موقت می‌شود، مفهوم از رواج‌افتادگی برای کسانی که با آرمان‌های ثابت و پایدار تربیت شده‌اند، ناراحت‌کننده می‌شود. هنگامی هم که این اندیشه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و آموزشی ورود پیدا می‌کند، به آشفتگی بسیار کارگران، تکنسین‌ها، مهندسان و مربیان می‌انجامد؛ زیرا نوآوری و مهارت سطح بالا و آموزش در هم تنیده‌اند.

ظهور هم‌زمان مدل جدیدتر و بهتر کالاها که دستاوردهای پیشرفت فناوری در آن نهفته‌اند، تولیدکننده را به سمت نوآوری متعالی‌تر فرا می‌خواند، زیرا مصرف‌کننده در دامی گرفتار شده که تولیدکننده قبلی برایش گسترده است؛ دامی که در سه حالت در هر صورت شکل گرفته است:

- یا کالا کارکرد خود را از دست داده و عمر آن به سر رسیده است.
- یا کالای جدیدی که بهتر از کالای قبلی است، جانشین آن شده است.
- یا نیازهای مصرف‌کننده به هر علتی تغییر یافته است.

لذا در این زمانه، یگانه امنیت شغلی آن است که **خاطرم‌ان جمع باشد، هنرها و ویژگی‌هایی داریم قابل تغییر و ارزشمند که هم‌گام با بازار کار می‌تواند رشد کند و نیازهای بازار را شناسایی و تأمین کند.** جهان جدید کار ترسناک است، اما سوار شدن بر اسبی بادپا نیز فرح‌انگیز و نشاط‌آور است؛ به شرط آنکه آن را فرصتی بدانی برای پروراندن کیستی و هویت برتر خویش. در هزاره جدید جایی برای کندهی و کاهلی نیست.

برای مطالعه بیشتر، خوانندگان را به دقت و مطالعه در مطالب زیر دعوت می‌کنیم:

- کتاب شوک آینده، الوین تافلر، ترجمه حشمت کامرانی، انتشارات نشر نو.
- کتاب اکنون و آینده‌ما، دکتر رضا داوری اردکانی، انتشارات نقد فرهنگ.
- مصاحبه با دکتر پیغامی، همین شماره صفحه ۵۱.
- مقاله بررسی رویکردهای نوین در تربیت تکنسین‌های آموزش‌شده‌های کشور همین شماره، صفحه ۴۳.